

بنام خدا

گزارش و بینار آموزشی

«استاد و دانشجوی نسل نو: چگونگی برقراری پیوندهای کارآمد»

این وینار آموزشی در راستای اجرای روال طرح تحول راهبردی با عنوان «پویایی و بالندگی اعضای هیأت علمی» و براساس مفاد برنامه تفصیلی مصوب در تاریخ ۹۸/۸/۲۲ به صورت همگام، با حضور ۶۰ تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه برگزار شد. مدرس کارگاه آقای دکتر مقصود فراستخواه عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی بودند.

کارگاه با تلاوت آیاتی چند از کلام ... مجید آغاز شد. در ابتدا آقای مهندس مرادی ضمن معرفی مدرس به برخی از سوابق و فعالیت های ایشان در حوزه های مختلف اشاره کردند.

سپس آقای دکتر فراستخواه اشاراتی به تغییرات و دگرگونی های زیست جهان آموزش عالی و دانشگاهی از جمله دگرگونی نسل داشتند و علت دگرگونی و تفکیک نسلها را تغییرات اجتماعی، وقایع، رویدادها، خاطرات و تجربه های مشترک، تغییر رژیم های سیاسی، تغییر ساخت قدرت، انقلابها، جنگها، تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانستند.

سپس نسلها را به ۵ دسته تقسیم نموده و به شرح هر یک پرداختند.

۱- نسل خاموش

۲- نسل بومر(دوره انفجار جمعیتی)

۳- نسل سوم جهانی

۴- نسل X

۵- نسل Y

تقسیم بندی نسلها در ایران:

۱. نسل پسا مشروطه ایرانی

۲. نسل ناسیونالیسم ایرانی

۳. نسل سوم: نسل نوسازی در ایران

۴. نسل انقلاب اسلامی

۵. نسل پسا انقلاب

➤ **قدیمی ترین نسل جهان** به نسل خاموش معروف است که متولدین ۱۹۴۵-۱۹۲۵ هستند. در دوران رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم و بحران اقتصادی امریکا به عرصه آمدند. معمولاً به نظم و سلسه مراتب اهمیت می دادند. مسئولیت پذیری، صرفه جویی و نظام آموزشی برایشان مهم بود. مقارن با اینها در ایران نسل پسامشروطه است و متولدین پیش از ۱۳۲۰ که در دوره پهلوی اول به عرصه آمده اند. نامنی و جنگ جهانی

اول را تجربه کرده اند. تلخی کمبودها را با جنبش نوسازی (مطبوعات، مدارس عالی و دانشگاه و...) با هم چشیده اند.

➤ **نسل دوم در جهان نسل بومر که شامل متولدین ۱۹۶۴-۱۹۴۶ هستند و متناظر با آن نسل ناسیونالیسم ایرانی.** این نسل در جهان به عنوان نسل زاد و ولد مشهور هستند. بومرها در طول یک اقتصاد شکوفا یعنی بعد از جنگ جهانی دوم، دوره رونق و رفاه با نرخ باروری و انفجار جمعیتی بالا به عرصه آمده اند. به طور کلی، بومرها به شورش و رد ارزش‌ها و عملکردهای والدین خود معروف است. مقارن آن‌ها نسل دوم ایرانی شامل متولدین ۱۳۴۰-۱۳۲۰ که در دوره ناسیونالیسم ایرانی به عرصه آمده اند. کانون توجه این نسل غالباً رقابت گرایی با نوعی خودانگاره مثبت است. دانشگاهیان قدیمی ما که هنوز گروهی قابل توجه برای خود هستند، از این دسته اند.

➤ **نسل سوم جهانی شامل متولدین ۱۹۸۰-۱۹۶۵ هستند.** ادامه دوره رونق، رفاه و تحولات جهانی فراگیر مثل انقلاب پرتغال ۱۹۷۴ و انقلاب ایران ۱۹۷۹، فروپاشی شوروی، فرو ریختن دیوار برلین و قطب بندی های متعدد بعد از جنگ سرد بود. در ایران نسل سوم شامل متولدین ۱۳۵۹-۱۳۴۱ هستند. اصلاحات ارضی، مهاجرت از روستاها به شهرها و حاشیه نشینی را پایه پای رشد اقتصاد نفتی نابرابر و ناموزون دیده اند. کانون توجه این نسل غالباً به تغییر و آرمان معطوف شده است. غالب هیأت علمی های موجود در دانشگاه های ایران و نیز نخبگان ایرانی مقیم خارج، در این نسل به دنیا آمده، رشد کرده و درس خوانده اند و بخش کمی از دانشجویان از این نسل اند.

➤ **نسل چهارم در جهان متولدین سال های ۲۰۰۰-۱۹۸۱ هستند.** دوره ظهور کامپیوترهای پی سی، اینترنت، تلویزیون های ماهواره ای، دهکده جهانی و سپس فناوری اطلاعات و ارتباطات است. از مشخصات این دوره کم حوصلگی، اوقات فراغت با گروه های دوستی، تجربه شخصی، نیازهای فرامادی، مهارت گرایی، بی تکلفی و بی تعارفی هست. مقارن آن در ایران متولدین ۱۳۷۹-۱۳۶۰ و نسل دوره انقلاب اسلامی هستند. این‌ها از آغاز دوره رشد خویش، طعم پیروزی انقلابی را به همراه تلخی اختلافات سیاسی بر سر جایگزینی قدرت و بر هم خوردن اوضاع و خشونت را با هم چشیده اند و جنگ را دیده اند.

این نسل، نسل ناسازه ها است. نسل سرشاری و سرخوردگی است که عمده کانون توجه این نسل به فراغت و تجربه سبک زندگی و فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه معطوف شده است. بخشی رو به رشد از دانشگاهیان جوان ما از این نسل هستند و بخش بزرگی از جمعیت دانشجویان، بیشتر به این نسل تعلق دارند.

➤ **جدیدترین نسل جهان که ناشناخته ترند، متولدین قرن بیست و یکم هستند.** نسخه جدیدتر نسل Y هستند. پا به دنیایی پسا سکولار گذاشته اند. شاهد مسائل محیط زیست و توسعه پایدار، استفاده از وب، فناوری های همراه و شبکه های اجتماعی و ارتباطی مجازی هستند. قرین نسلی آن در ایران را که غالباً از متولدین ۱۳۸۰ به بعد اند، نسل «پسا انقلاب» می گویند. یک گردش پارادایمی کامل در حال وقوع است. در این نسل امور

نوپیدی که پی در پی از راه می رسند، از جمله؛ پوپولیسیم و توده گرایی در برابر نخبه گرایی، چپ نو در مقابل اقتصاد نئوکلاسیک و... به چشم می خورد.

این نسل کمتر پایبند انواع گروه های مرجع قدیم و جدید هستند. حتی در هنر نیز از قواعد مرسوم عبور می کنند و خود در زیرزمین ها و خیابان ها ستاره ایجاد می کنند. بخشی به دانشگاه برای تحصیل پا گذاشته اند و بخشی در خانه ها و اطراف، ما را با گوشیها، و اسباب بازی های مجهز محاصره کرده اند. آموزش های رسمی مدرسه و دانشگاه برای آن ها چه بسا چیزی شبیه موزه های قدیمی باشد که شاید به دیدنش بیارزد. دوره دانشجویی شان اوایل جذابیت هایی داشت که بعدها به دلیل ماهیت دولتی اش، گاهی به ذوق می زد. الگوهای اروپایی و فرانسوی در دانشگاه ها تازه شکل گرفته اند. این نسل کسانی هستند که در دوره سوم عمر خود، شغل دانشگاهی پیدا می کنند و تجربه های آغازین تحصیل در خارج و کسوت هیأت علمی را دارند. هنجارهای مرتونی، سنت اقامت در پردیس، سنت های دیسیپلینی آموزش نوین دانشگاهی و شیوه تدریس نخبه گرا را تجربه می کنند اما نسل بعد از این ها در حال شیفت از الگوی پاریس به الگوی کلمبیا است و شکاف استادان قدیم با شیوه های کلاسیک تدریس و نسل جدید دانشجویی با عادت واره های جدید آهسته آهسته سر باز می کنند و واحدهای درسی به وجود می آیند.

آقای دکتر فراستخواه در ادامه به بیان دگرگونی های فضای واقعیت مجازی پرداختند:

مثل دگرگونی های فضای واقعیت مجازی

O3B & Appfication

Blockchain

Social network and media

5G

Android operating system

Internet of things/ of think

Artificial intelligence فراستخواه، میز آینده پژوهی آ ع ، ۱۴۰۰ ، پنل ۳۴

ایشان یادآور شدند که همزمان با دگرگونی نسلی و به دنبال آن تنوعات نسلی در دانشجویان، اساتید و کارکنان با تغییرات گسسته همراه هستند. همه چیز مبتنی بر اپلیکیشن می شود. شبکه های اجتماعی فضای مجازی و همه امور اعم از آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و... با به وجود آمدن هوش مصنوعی، بخشی از اینترنت و فناوری می شود، طوری که امروزه انسان، ترس از قطع شدن اینترنت دارد. تحولات نسلی از حالت سنتی خارج و به اشیا جدید و شرایط شبکه ای توسعه پیدا کرده است. اشیا آموزشی و رسانه ای بعد از کووید ۱۹ بیشتر دچار

تغییرات گسسته شدند. دنیای برخط و دیجیتال و واقعیت مجازی همه چیز را بهم می زند و به سمت دنیای فرا انسان و برون بشری می رود و عملکرد فکری و حافظه کاری و کل عملکرد شناختی و هیجانی و به طرز اجتناب-پذیری افعال آموزشی و پژوهشی را در ابعادی غیر قابل تصور، در یک مقیاس ترانس، در مقیاسی فراسوژه ای، فرا انسان و فزون بشر تغییر می دهد. امروزه علاوه بر فناوری، فنا علم، فنا بشریت و بارگذاری ذهن داریم که تجربه های نسلی جدید با آن ها درگیر است.

ایشان در ادامه به بیان فرصت ها و چالش هایی که در مسیر عبور از این تحولات وجود دارد پرداختند.

چالش ها

- رباتیزه شدن تعلیم و تربیت
- امنیت انسانی
- مداخله مفرط تکنیک و جهان زدایی از آموزش
- انسان زدایی از دانشگاه
- فضای دانشگاه یا دنیای اشباح الکترونیکی
- همه چیز است و هیچ چیز
- وساطت تکنیک و تفرق در زندگی دانشگاه
- خطر فرمالیسم شو آف و لاکچری
- انبوهه و پرسه در محیط آنلاین: غیاب معنا و سلوک علمی جدی
- غرق شدن در اطلاعات و ندرت توجه
- مسأله گم شدن اصالت

فرصت ها

- افزایش شاخص هایی مثل تحرک، سرعت جابه جایی و...
- عبور از نخبه محوری و معلم مرکزی
- هاله زدایی از آموز (هاله استاد سنتی)
- آزادی از بسیاری جبرها و محدودیت ها
- دسترسی بیشتر، تعمیم بیشتر، باز توزیع بیشتر، شفافیت بیشتر، پاسخگویی اجتماعی، دیده شدن و ارزیابی 360 درجه، رؤیت پذیری و مشارکت پذیری بیشتر

در ادامه به بیان ده خصیصه از نسل های نوپدید برنامه درسی پرداختند

۱- نسل عملگر: نسلی خواهد بود که ابعاد مهارتی برنامه درسی برایش مهم است، یعنی ارزش های ذاتی و نظری علم تحت الشعاع ارزش های دستاوردی و ارزش های عملی علم قرار می گیرد و ارزش های کاربردی اهمیت بیش از پیش پیدا می کند.

- ۲- نسل مطالبه گر و حسابگر: این نسل بیشتر روی عدالت و فرصت های برابر متمرکز خواهد بود. نسل خواهان صدا و این که شنیده و دیده شود.
- ۳- نسل پرتحرک و پا به گریز: یک نسل پر تحرک که شعارشان این است که جاهای دیگر بهتر از شما درس می دهند. این نسل مقایسه می کند و برنامه های درسی ما و اجرا و نتایج آن را با ترازهای منطقه ای و بین المللی مورد سنجش قرار می دهد. برای همین است که تمایل مهاجرتی نسل های برنامه درسی در ایران سال به سال بالا می رود.
- ۴- نسل بازخیزهای هویتی: در سال های گذشته، دانشجویان ما بیشتر از این که پسر یا دختر باشند، دانشجوی بودند. بیشتر از این که کُرد، ترک، سنی یا شیعه باشند، دانشجو بودند. اما امروز، شاهد این هستیم که دانشجو بیشتر از این که بگوید من دانشجو هستم، مثلاً می خواهد بگوید من دخترم، کُردم، ترکم، سنی ام، شیعه ام و دیگر آرا و عقاید. هویت در همه جای دنیا در زندگی دانشجویی اهمیت پیدا کرده است مانند هویت های جنسیتی و حتی هویت های تراجنسیتی، قومی، زبانی، مذهبی.
- ۵- نسل نگران خسته و کم حوصله: روز به روز حرف نسل جدید در کلاس این می شود که نکته اصلی و حرف حساب چیست؟ مردم دیگر خیلی حوصله نظریه پردازی های انتزاعی را ندارند و اگر هم دنبال نظریه هستند، بیشتر به دنبال مطلب اصلی و جان کلام هستند. این نسل دیگر از حرف ها و تبلیغات خسته شده اند.
- ۶- نسل افقی و نامتقارن و ترارشسته ای: ایماژها روز به روز افقی تر می شود. در گذشته استاد و دانشجو یک ایماژ عمودی داشتند اما اکنون معلم در آن جایگاه بالا قرار ندارد، نگاه ها افقی شده اند و استاد - شاگردی مانند سنت های قبلی دانشگاه ها برجا نمانده است.
- ۷- نسل باخبر و نسل برخط: ما با یک نسل فرا انسانی رو به رو هستیم. روز به روز دیجیتالی تر و رباتیزه می شود. دیگر خیلی در بند مکان برنامه درسی نیست. سایبورگ برنامه درسی و تراشه ها تا درون اعماق مغز آن ها ایمپلنت می شود و نانو ربات ها در کلاس ها اثرگذار می شوند.
- ۸- نسل مخاطبان متفاوت با انتظارات کثیر: استخدام کننده می گوید من دانش آموخته با مهارت های پیشرفته سطح بالا و شایستگی های چندگانه و قابلیت های نرم می خواهم. در جهان کسب و کار، دوره عمر مشاغل کوتاه می شود. شغل های تازه و بی سابقه ای روز به روز به وجود می آید و قابلیت های دانشی و مهارتی متفاوت و جدید الزام دارد. جامعه می گوید من شهروند خوب می خواهم. من پایداری زیست بومی می خواهم. مگر متخصصان برآمده از برنامه های درسی نبودند که این اقلیم را برهم زدند؟ این تکنولوژی مخرب از کجا درآمد؟
- ۹- نسل سرد: برای این نسل سرد یک مقدار شاید سلبریتی مهمتر از مرجعیت فکری شده و در نتیجه این مرجعیت فکری دانشگاه و مرجعیت علمی دانشگاه باید خیلی حرکت کند که تازه بتواند به پای سلبریتی ها برسد و مورد توجه دانشجویان یا ذینفعان برنامه درسی قرار بگیرد. سلبریتی در جای خود خیلی هم

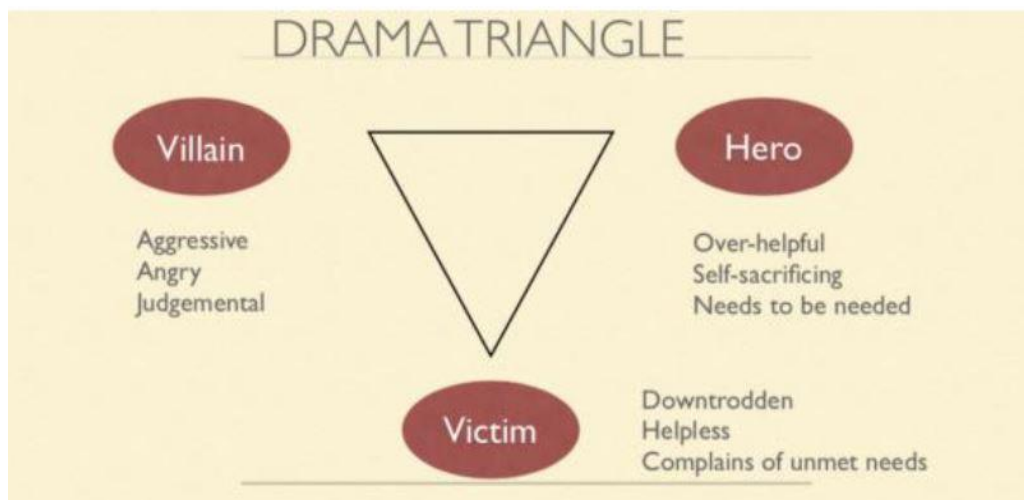
خوب، اما برای آینده ایران، تفکر انتقادی و خردورزی انتقادی و مرجعیت های روزآمد و پاسخگویی علمی الزامی است. هم اکنون در همه جای دنیا در اینترنت و فضای مجازی همه درس می دهند و انواع و اقسام فناوری ها، نوآوری ها و شگردها را بکار می گیرند.

۱۰- نسل سرسنگین: این نسل ممکن است بیشتر به دنبال آموزش های چابک و باز و دوره های کوتاه تر آزاد و موردی و غیررسمی بروند و مدرک گرایی هم دیگر آهسته آهسته افول پیدا کند و جای آن را گواهی های کوتاه مدت حرفه ای یا و مهارت های خاص پیشرفته بگیرد. دنیای امروز احساس می کند لازم است به دانشگاه سفارش های خاصی بدهد و مخاطب آسانی نباشد و ضمناً برنامه درسی برای مشترکین خاص، خریداران و سفارش دهندگان خاص اهمیت می یابد یعنی به صورت سفارش های موردی و تک دوزی شده و نه انباری و انبوه. این نسل معتقد است برنامه درسی نمی تواند به شکل تولید انبوه باشد.

سپس ایشان به راه حل های موجود برای بهبود وضعیت موجود پرداخته و گفتند که کمک دانشگاه به جامعه و کاهش رنج ها نیازمند همنوایی دانشگاهیان با هم و با جامعه است و آنچه مانع رفتارهای همیارانه می شود حاصل خودمداری و رفتارهای طفیلی گری است. برای این که دانشگاه های ما با کیفیت و با معنا شوند و پاسخگویی اجتماعی داشته باشند باید این وضعیت طفیلی گری را در کلاس، اجتماع علمی، در اخلاق حرفه ای، در فرهنگ سازمانی و در پروژه های تحقیقاتی مشترک تغییر بدهیم و گرنه با این طفیلی گری راهی به هیچ دهی نمی بریم. ایشان همچنین مهمترین مشکل حیاتی دانشگاهی را چنین برشمردند.

- Catastrophizing the Problems
- Learned helplessness
- External locus of control

مثلث دراماتیک و ترومایی حس قربانی بودن، شرارت و یا نقش قهرمان



سپس در ادامه آقای دکتر مینایی در خصوص تعامل بیشتر دانشگاهیان گفتند که اساتید باید به شبکه سازی و نت ورکینگ بپردازند و تلاش شود از تک روی پرهیز گردد. ایشان باید از طریق کارهای بین رشته ای باهم در ارتباط باشند و گروه ها و شبکه هایی ایجاد کنند که مطالب را باهم به اشتراک بگذارند. در حال حاضر دانشجویان با هم دوره ای های خود این کار را می کنند و فرصت های موجود را باهم به اشتراک می گذارند.

در پایان، بخش تعاملی و بینار که با پرسش و پاسخ شرکت کنندگان همراه بود به شرح زیر مطرح شد.

برخی پرسش های حاضران :

✓ علت سردی نسلا چیست؟

✓ چگونگی برقراری پیوند کارآمد استاد و دانشجو؟

✓ چطور باید سیاست ها و تفکر ابزارگرایانه که ما را به فرد گرایی کشانده است، تغییر کند؟

پاسخ ها (بخش مهم خروجی کارگاه):

✓ به دلیل تحولات گسسته، عدم اطمینان و وضعیت آشوب، ارتباطات افراد کمتر شده و هر کسی می- خواهد بار خودش را بکشد. رشد فردگرایی نهادینه شده و انسان ها می خواهند فقط کلیم خود را از آب بیرون بکشند. باید تلاش شود که هم دلی و مهربانی بین افراد بیشتر شود و افراد بیشتر از هم پشتیبانی نمایند. همچنین نیاز است حس شفقت و غم خواری را در خودمان توسعه دهیم. در ارتباطمان با یکدیگر یک نوع غمخواری علمی انجام شود به نحوی که این تفکر من خوبم تو هم خوبی به همراه رعایت احترام متقابل و همچنین با درک متقابل و تعلیق قضاوت ها در موقعیت طرف مقابل، گفتگو انجام شود.

✓ اصراری برای تعیین تکلیف نهایی حقیقت و قضاوت حداکثری درباره دیگران و همکاران نداشته باشیم و برای فهم تجربه و موقعیت دیگران تا جایی که می توانیم با آن ها گفت وگو کنیم، حتی اگر هم، تجربه اش را نمی فهمیم باز هم می توانیم با او با عقلانیت ارتباط برقرار کنیم. انسان ها با وجود اختلافات، می توانند به توافق های نسبی پایداری با یکدیگر برسند. هر ناظر قائلی باید تکمیل گرا باشد به جای این که انحصارگرا یا تساوی گرا باشد.

✓ پایداری دانشگاه به دیدار، به تماس و به اجتماعات گفت وگویی برای مسأله مند کردن، تشدید مسأله ها و تعمیق راه حل ها (مثل تیم های تدریس میان رشته ای و میان استاد و دانشجویان و دانشجویان با هم، میان دانشگاه و جامعه و مورد کاوی ها) نیازمند است.

✓ نه تنها باید سرمایه فکری و نمادین بلکه سرمایه اجتماعی هم داشته باشیم.

✓ علم امروز و فردا، مشروعیت خود را نه فقط از اجتماع علمی، بلکه از علم اجتماعی نیز می گیرد.

✓ علم امروز، علمی است که نه برای دیگران بلکه با دیگران خواهد بود.

✓ کلاس نه فقط برای دانشجو بلکه با دانشجو است. بحث نه برای دیگران بلکه با دیگران است.

وینار در ساعت ۱۲ به پایان رسید.